

بسم الله الرحمن الرحيم

راهبرد غرب در مواجهه با انقلاب اسلامی و تنش‌های ارزی ایران

(تحلیل یک کاشناس مسائل داخلی)

از جنگ اقتصادی دشمن و برنامه‌های اقتصادی دولت سیزدهم)

مقدمه :

نبرد جمهوری اسلامی ایران با نظام سلطه وارد مرحله جدیدی شده و تحركات جبهه استکبار و پیاده نظام رسانه‌ای آن در پاییز امسال که نمونه بارز جنگ ترکیبی دشمن علیه ملت ایران بود گویای پر واضح این مطلب است و یکی از مهمترین پایه‌های جنگ ترکیبی دشمن، ایجاد تردید و شبهه در اذهان نسبت به ارزش‌های بنیادی و استحکام بخش و انسجام بخش به جامعه ایرانی است. در این میان وظیفه نخبگان و آحاد جامعه در وهله اول اهتمام به خود آگاهی تاریخی و تامل در روندها و تحولات

سیاسی اجتماعی و مسائل روز جامعه و هوشیاری نسبت به طرح و برنامه، شیوه ها و نحوه دشمنی دشمن در طول تاریخ معاصر و بخصوص پس از شکل گیری انقلاب اسلامی ایران است. بدلیل اینکه انقلاب اسلامی ایران، شبکه نفوذ غربی ها را در همه ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران از بین برده است، دشمنان با انواع تلاش ها درصدد احیاء و بازآفرینی و بازسازی شبکه نفوذ خود در همه ابعاد و ساختارهای کشور است.

یکی از راهبردهای اصلی و مستمر جبهه استکبار بخصوص آمریکا در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران در کنار سایر راهبردهای فرهنگی و امنیتی، محصورسازی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. دشمن به موازات زمان در کیفیت و کمیت راهبرد محصورسازی اقتصادی تغییراتی ایجاد کرده است. تلاش برای ایجاد نوعی پیچیدگی عملیاتی و بخصوص پیچیدگی در عالم نظریه پردازی برای توسعه وابسته و نامتجانس به منظور تحت الشعاع قرار دادن نخبگان اقتصادی و سیاسی و متقاعدسازی نامحسوس و محسوس آنان برای عمل به نسخه های اقتصادی غرب یکی از همین برنامه های تحولی غربی ها در ایران است. وابستگی و عدم رشد و

توسعه درون‌زا از آثار شوم این راهبرد جبهه غرب می‌باشد. در این مطلب که پیاده شده سخنرانی یکی از کارشناسان مجرب در مسائل داخلی می‌باشد به بررسی اجمالی «راهبردها و تاکتیک‌های مواجهه امروزین غربی‌ها به محوریت آمریکای خبیث با نظام مقدس جمهوری اسلامی» پرداخته شده است.

سیری کوتاه در راهبرد دشمنی غرب با جمهوری اسلامی ایران

راهبرد دشمنان ملت ایران در دوره معاصر حتی در دوران پهلوی، وابسته سازی ایران به فروش نفت و ایجاد اقتصاد تک محصولی و توسعه وابسته به غرب بود. این راهبرد خصمانه غرب به رهبری آمریکا به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و از دوره دفاع مقدس با وضع همه نوع تحریم‌ها و با سیاست محصورسازی اقتصادی ایران و به علت قطع دست شبکه نفوذ غرب با وقوع انقلاب اسلامی از ایران تشدید شد. بعد از پایان جنگ در دوران سازندگی کشورهای غربی علاوه بر محصورسازی اقتصادی و نفوذ اقتصادی بر پروژه‌های کلان اقتصادی و زیرساختی ایران تمرکز یافتند و به دنبال کشف این مسئله بودند که ایران چگونه تحریم‌ها را دور می‌زند و

چطور می توانند بر روی مولفه های اقتصادی ایران در راستای منافع بلندمدت و میانمدت خود تاثیر بگذارند.

هدف اساسی و نانوشته دشمن دستیابی به موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک ایران با وابسته سازی اقتصادی و پیوند زدن رشد و توسعه ایران به فروش نفت و نهادهای سازی اقتصاد تک محصولی و رانتهی در ساختار اقتصادی سیاسی ایران است. این هدف به دلیل آسان سازی عرضه نفت در بازارهای جهانی و جلوگیری از شکل گیری الگوی توسعه درون زا در منطقه و حفظ آسیب پذیری اقتصادی و آسیب پذیری کشور در برابر تحریم ها صورت می پذیرفت. به طور مثال سرویس جاسوسی انگلیس (MI6) به طور ویژه به دنبال این بود که کدام کشورها و شرکت ها در پروژه های کلان اقتصادی ایران نقش ایفا می کنند.

استکبار جهانی با محوریت آمریکا به دنبال نفوذ و آلوده سازی ایران در سه حوزه بوده است؛ «سرمایه گذاری»، «تکنولوژی» و «افراد متخصص و نخبه»؛ هر سه جزء مولفه های بنیادین توسعه در هر کشوری است. از سوی دیگر سرویس های اطلاعاتی و امنیتی غرب بخصوص از دوران سازندگی در راستای نفوذ و آلوده سازی در سه حوزه مذکور با دامن زدن به رشوه و

فساد در اقتصاد ایران به دنبال پیاده‌سازی پیوست امنیتی و گسترش نفوذ شبکه‌ای بودند. با رهگیری خیلی از فسادها مشخص شد که رواج فساد در نظام بانکی و اداری جمهوری اسلامی ایران منشاء خارجی دارد.

کاربست مولفه‌های «قدرت هوشمند» از سوی نظام استکبار جهانی علیه ایران

در سال ۲۰۰۵ میلادی پس از مفاهیم قدرت سخت و قدرت نرم، قدرت هوشمند وارد ادبیات سیاسی جهان شد. قدرت هوشمند فراتر از قدرت نرم و قدرت سخت و ترکیبی از اجماع - اکراه - مجذوب‌سازی و استخدام - شبکه‌سازی و نفوذ فردی و شبکه‌ای است. در همین سال سندی منتشر شد با عنوان "کدامین راه به سوی ایران"، در این سند راه حل و نحوه‌ی مواجهه با ایران را با مفهوم و نظریه «قدرت هوشمند» توضیح داده شد. در ذیل مواجهه با جمهوری اسلامی ایران بر اساس قدرت هوشمند، سه پایه اساسی را به منظور محصور و محدودسازی ایران مد نظر قرار دادند که عبارتند از:

۱- جلوگیری از رشد و پیشرفت علمی و خودکفایی علمی ایران که حتی در مواقعی به ترور و حذف فیزیکی دانشمندان منجر شد؛

۲- محصورسازی و تشدید تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی - مالی؛

۳- محدودسازی قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران.

تاکتیک‌های متفاوت دموکرات‌ها و جمهوری خواهان برای مواجهه با جمهوری اسلامی

راهبرد هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا، تضعیف ایران و از بین بردن پای‌بست‌های اجتماعی و فرهنگی کشور و تخریب اقتصاد ایران است. ولی در نوع مواجهه جمهوری خواه و دموکرات تفاوت‌هایی وجود دارد. سیاست جمهوری خواهان فقط سیاست چماق و زیاد کردن فشار روی ایران بدون دادن امتیاز است ولی دموکرات‌ها سیاست چماق و هویچ را به طور همزمان در مواجهه با ایران به کار می‌گیرند. در واقع، دموکرات‌ها هم به دنبال فشارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی به ایران هستند و از طرفی هم معتقد به دادن برخی امتیازها در جریان تعامل با ایران برای شکست مقاومت ایرانیان هستند.

در دوره اوباما و حاکمیت دموکرات‌ها در آمریکا، دشمن محصورسازی اقتصادی ایران را با گسترش تحریم‌های بانکی و فروش نفت تشدید کرد. در نتیجه فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها و افزایش تورم و سقوط ارزش

ریال، باعث تغییر رفتار انتخاباتی مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و روی کار آمدن جریان لیبرال شد که معتقد به حل و فصل همه مسائل با غرب و آمریکا از طریق مذاکره بود. اوپاما با توافق برجام به صورت تدریجی در ازای برخی محدودیت‌های هسته‌ای، امتیازات اقتصادی خیلی کمی به ایران داد و در واقع هدف آنها نفوذ در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور در راستای دستیابی به برجام منطقه‌ای و برجام موشکی بود. دشمن متوجه شد که برجام اول فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده ولی هیچ تغییری در رویکرد منطقی و اصولی جمهوری اسلامی ایران در راستای مذاکره برای برجام دو و برجام سه صورت نپذیرفت.

با روی کار آمدن ترامپ و جمهوری خواهان در آمریکا، راس قوه مجریه «سیاست چکش و فشار حداکثری» را برای مواجهه با ایران انتخاب و آن را به جد دنبال کرد. منظور از سیاست چکش این است که ایران را باید تا له شدن کامل و فروپاشی زیر فشار تحریم و تهدید دائمی قرار داد. بنابراین دشمن در راستای سیاست فشار حداکثری خود به دنبال صفر کردن مبادلات تجاری و اقتصادی ایران در عرصه بین‌المللی بود هدف نهایی در

سیاست چکش این بود که در یک دوره ده ساله، ایران به طور کامل هم در درون تضعیف شود و هم در منطقه منزوی گردد؛ به گونه‌ای که مجبور شود کدخدایی آمریکا در دهکده جهانی را بپذیرد و تسلیم نظم نوین مد نظر آمریکایی‌ها شود و گوش به فرمان کدخدا باشد.

رویکرد فرهنگی تسلیم سازی ایرانیان توأم با جنگ اقتصادی

دشمن در تلاش است با گسترش ابزارهایی مثل ماهواره و اینترنت و پیاده سازی سند ۲۰۳۰ به نوعی در بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه نفوذ کرده و دوگانگی ایجاد نماید. تا از طریق تجمیع گسل‌ها و تقاطع گیری گسست های فرهنگی و اقتصادی به ایجاد اغتشاش سیاسی و امنیتی برسد. دشمن در رویکرد فرهنگی جنگ ترکیبی از مسئله حجاب شروع کرد و در حوزه اقتصادی هم قرار بود از معیشت دانشجویان آغاز و آن را به بدنه جامعه برساند و در نهایت به دنبال فعال سازی شکاف های قومی و مذهبی بود.

به طور مثال اتفاقاتی که در رژیم صهیونیستی رخ می‌دهد، دوگانگی سیاسی به دوگانگی اجتماعی تبدیل شده و این دوگانگی‌ها نزدیک است که به سمت طرد کل سیستم سیاسی رژیم غاصب اسرائیل منجر شود. هیات حاکمه رژیم صهیونیستی که با نافرمانی‌های مدنی گسترده‌ای مواجه شده

است، راه حل مقابله با تهدیدات داخلی و فروپاشی از درون را بزرگ کردن تهدیدات خارجی می‌دانند. بنابراین به دنبال تهدید فوری جلوه دادن ایران و افزایش تنش‌های خارجی هستند تا از این طریق، ضمن سرپوش گذاشتن بر ناکامی‌های داخلی، بتوانند انسجام و اتحادی در داخل برای مقابله با تهدید بیرونی ایجاد نمایند. امروز تبیین این موضوع و این که در مصاف با دشمنان مبدع جنگ ترکیبی با محوریت جنگ شناختی در کجا قرار داریم و چقدر توانسته‌ایم طراحی‌های خبیثانه آنها را خنثی کنیم، از مصادیق بارز جهاد تبیین و جهاد امیدآفرینی برای جامعه و جوانان است.

در مرحله اول طراحی دشمن با رویکرد فرهنگی در پاییز شکست خورد که متعاقب آن به دنبال انجام مذاکره با ایران برای احیای برجام هستند و از طریق سه کشور همسایه پیام آغاز مذاکره را به ایران دادند. در این بین اروپایی‌ها با تحریم سپاه به دنبال دوقطبی‌سازی جامعه بودند. اما حضور چشم‌گیر و با شکوه مردم در مراسم‌هایی نظیر تشیع شهدا و راهپیمایی شنبه تاریخی ۲۲ بهمن امسال زمینه‌های عقب‌نشینی دشمنان را فراهم کرد. حضور پر شور از همه اقشار مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال سه پیام بین‌المللی جدی به همراه داشت؛ پیام اول اینکه مردم پای کار انقلاب و

نظام اسلامی ایستاده‌اند. پیام دوم، مختص دوستان و رقبا ارسال شد که سیگنال‌هایی از ثبات سیاسی در ایران بود و در سطحی دیگر، با انتقال پیام ثبات سیاسی در ایران به نظام بین الملل منجر به افزایش سطح مناسبات تجاری و اقتصادی و بستن قراردادهای جدید با کشور چین گردید؛ به گونه‌ای که نحوه استقبال کم‌نظیر چینی‌ها از رئیس‌جمهور ایران، چه به لحاظ شکلی و چه محتوای قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها دو جانبه در سطوح مختلف خود حامل پیام‌های مهمی به غرب و رقبای جمهوری اسلامی بود.

عملکرد اقتصادی دولت سیزدهم برای تغییر ریل گذاری‌ها

۱- اولویت فوری دولت سیزدهم در عرصه پاسخ به مطالبات اقتصادی

اولویت فوری دولت سیزدهم در حوزه اقتصادی تمرکز بر پاسخ به مطالبات و انتظارات انباشته شده از دولت قبلی و حل و فصل موضوعات فوری بود؛ پاسخ به نارضایتی‌ها در حوزه طلب‌کاری کارمندان و کارگران و پاسخ به تجمع‌ها و تحصن‌ها و اعتراضات اقتصادی، معوقات حقوق‌ها و رتبه‌بندی معلمان و رسیدگی به ورشکستگی برخی صندوق‌های بازنشستگی بود. همچنین تسریع در فرایند به نتیجه رساندن پروژه‌های عمرانی نیمه تمام.

۲- تلاش دولت برای افزایش سرمایه و سرمایه گذاری

گام دوم دولت برای پیشرفت و توسعه کشور، تلاش برای شکل گیری و جذب سرمایه جهت سرمایه گذاری است و در این راستا دولت تلاش کرد فروش نفت را در شرایط تحریمی به حداکثر برساند. میانگین فروش یک میلیون و دویست هزار بشکه در روز در مقایسه با فروش دولت قبلی رقم باورنکردنی در شرایط پیشینه سازی تحریم ها بود. همچنین دولت عملکرد خوبی در ساماندهی به نظام مالیات ستانی کشور به ثبت رساند و تلاش کرد تا راه های فرار مالیاتی را با شفافیت اقتصادی مسدود کند. افزایش دو میلیون مودی مالیاتی در این مدت اندک حاصل این تغییر رویکرد و تلاش مجاهدانه است.

۳- راهبرد همسایگی دولت

گام سوم دولت فعال سازی راهبرد همسایگی و منطقه ای بود. دولت طرح راهبرد همسایگی را تدوین و سیاست هایی را به اجرا گذاشت؛ به طوری که در دوره قبل ۶ میلیارد یورو از دولت عراق طلبکار بودیم که در اثر راهبرد همسایگی کل طلب وصول شده و صادرات به عراق به روز تسویه می شود.

در ضمن در فروش فراورده های نفتی هرچه تولید می شود به فروش می رسد.

۴- حذف ارز ترجیعی در راستای حمایت از تولید داخلی و جلوگیری از قاچاق کالاهای اساسی

گام چهارم دولت حذف ارز ترجیعی بود، با حذف ارز ترجیعی ۴۲۰۰ تومانی در نه ماهه اول امسال نسبت به ۹ ماهه سال قبل ۶ میلیون تن در واردات مواد غذایی کاهش صورت پذیرفت. به طوری که در سال قبل ۱۶ میلیارد دلار واردات مواد غذایی داشتیم و تا نه ماهه اول امسال ۳ میلیارد دلار صرفه جویی در واردات مواد غذایی صورت پذیرفته است. با سیاست های حمایتی دولت سیزدهم از تولیدات کشاورزی، خرید گندم از کشاورز از ۴/۵ میلیون تن سال قبل به ۷/۵ میلیون تن رسید.

۵- مولد سازی دارایی ها

گام بعدی دولت سیزدهم مولدسازی دارایی های راکد دولت است که جزء هزینه تحمیلی برای دولت آورده ای ندارد. به عبارتی دیگر، دولت اموالی دارد که برای نگهداری آنها هزینه می دهد اما از طرفی هیچ عایدی برای دولت ندارد. دولت در این طرح به دنبال فروش و هزینه کرد اموال در

هزینه‌های جاری نیست بلکه به دنبال کسب سرمایه برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و یا اقتصادی دارای عایدی است. این موضوع برعکس خصوصی‌سازی است که دولت دارایی‌های مولد خود را به فروش می‌رساند.

۶- توسعه ظرفیت ناوگان حمل و نقل

در حوزه حمل و نقل دولت سیزدهم به دنبال تکمیل و افزایش ظرفیت ناوگان حمل و نقل ریلی، جاده‌ای و هوایی است. تکمیل و تقویت خط آهن شمال- جنوب و غرب - شرق از اولویت‌های توسعه ریلی دولت سیزدهم به شمار می‌آید. به طور نمونه قرارداد تامین ۲۰۰ لوکوموتیو بسته شده و تا حالا ۲۰ هواپیما خریداری و در فرودگاه‌های کشور به زمین نشسته‌اند که بنا به ملاحظات رسانی نمی‌شوند. از سوی دیگر، دولت درصدد افزایش ترانزیت سالانه ۷ میلیون تن کالا به ۱۰۰ میلیون تن کالا است و این یک منبع درآمد ارزی پایدار برای کشور محسوب می‌شود. با روی کار آمدن دولت سیزدهم حجم ترانزیت کالا ۳۰ درصد افزایش یافته بود که با آغاز اعتراضات و اغتشاشات حجم ترانزیت کالا از کشور کاهش پیدا کرد و متعاقباً درآمدهای حاصل از ترانزیت کالا هم کاهش

یافت. دولت در تلاش است برای تامین آب صنایع و تامین پایدار آب کشاورزی تا سال ۱۴۰۴ آب دریای عمان را به استان های کم آب رسانده تا فرایند توسعه کشاورزی و صنعتی کشور در این استانها مختل نشود.

آمریکا و جنگ ارزی علیه ایران

دولت در یک سال اول فعالیت ۱۳۰ میلیارد دلار تفاهم نامه تجاری با سایر کشورها منعقد کرده است که به نوعی در شرایط تحریمی یک حرکت بسیار موثر برای کشور است. آمریکا در صدد بهم زدن و مانع تراشی برای ریل گذاری های جدید اقتصادی دولت سیزدهم است. در فصل دوم تقابل جبهه استکبار با محوریت جنگ ترکیبی این بار با رویکرد امنیتی و اقتصادی با به هم زدن بازار ارز و ناامن سازی ذهنی و عینی به دنبال گشودن پرونده های امنیتی متعدد در کشور هستند که یکی از مشخصه های بارز آن حوادث مدارس دخترانه قم و دروغ بزرگ مسموم سازی دانش آموزان دختر و در ادامه همان پروژه شکست خورده «زن، زندگی و آزادی» با محوریت بخشیدن به دختران بود. عملیات امنیتی دشمن از قم آغاز و درصدد توسعه آن به سایر شهرها و مراکز بودند تا شرایط ذهنی و عینی ناامن سازی گسترده با تهیه خوراک و هجمه تبلیغاتی فراهم شود. از طرفی رژیم

صهیونیستی و آمریکا با رخنه در بازار ارز و افزایش قیمت درهم با شیوه‌هایی و همچنین دخالت در بازار ارز برخی کشورهای همسایه و همچنین از طریق سایت‌های فردایی باعث افزایش نرخ ارز در کشور شدند.. متعاقب عدم ورود به‌هنگام مسئولان برای مدیریت بحران‌سازی ارزی، پیشرفت دشمن در این جنگ ارزی صورت پذیرفت و بازار ارز و ثبات ارزی کشور را به هم ریخت و منجر به افزایش تورم عمومی و نارضایتی شد. لازم به ذکر است عمده آسیب‌پذیری اقتصاد کشور وابستگی به دلار و شرطی شدن اقتصاد و قیمت‌ها در بازار به نرخ ارز کف خیابان است و نه نرخ ارز نیمایی یا مرکز مبادله ارزی.

نقش شرکت‌های دولتی و خصوصی در افزایش قیمت ارز

گران شدن ارز هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سرمایه اجتماعی به ضرر دولت است و این گزاره که خود دولت در افزایش قیمت ارز برای تامین کسری بودجه و سایر مصارف نقش دارد، منطبق با واقعیت نیست. ممکن است برخی از شرکت‌های دولتی یا شرکت‌های خصوصی به خاطر منافع خود در افزایش نرخ ارز نقش داشته باشند اما سیاست کلی دولت این نیست. لازم به توضیح است که بعضی از شرکت‌ها در گذشته تلاش

می‌کردند دلار حاصل از فروش محصول را به مرکز مبادله ارزی نیاورند و در بازار آزاد به قیمت بالاتر به فروش رسانده و یا برای افزایش قیمت ارز آن را به بازار تزریق نکنند که این مسئله باید جرم‌انگاری شود.

در راستای مدیریت منابع و مصارف ارزی کشور و ثبات بخشی به بازار و تلاش برای خنثی‌سازی جنگ ارزی دشمن مقرر شد که کلیه شرکت‌های دولتی باید درآمدهای ارزی خود را در اختیار بانک مرکزی بگذارند و همه ارزها از طریق بانک مرکزی جمع و برای مصارف و کنترل بازار ارز به کارگیری شود. از سوی دیگر تعداد قابل توجهی از پیاده نظام غرب برای اخلال در بازار ارز شناسایی شدند که همین موضوع نشان از عزم جدی دولت در مدیریت بازارهای یاغی و مقابله با کاسبان تحریم و تنگنای زندگی مردم است.

مدیریت منابع ارزی به جای ارزیابی به بازار

در فرایند مدیریت ارزی کشور دولت سیزدهم به دنبال ارزیابی و کاهش ذخایر ارزی کشور نیست، بلکه به دنبال مدیریت منابع ارزی کشور است. در صورتی که در دوره قبل ذخایر ارزی کشور در یک بازه زمانی کوتاهی با ارزیابی مدیریت نشده به بازار به شدت کاهش یافت و کشور با بحران

ارزی مواجه شد و همین سیاست باعث افزایش قیمت ارز شد. سیاست دولت سیزدهم این است که منابع ارزی را در پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای کشور مصرف و در راستای سرمایه‌گذاری مولد و ارزش‌آفرین مصرف شود.

آسیب‌پذیری در حوزه جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن

در حوزه تصویرسازی ذهنی مثبت از روندها و تحولات کشور در ذهن مخاطب به ترمیم جدی نیاز داریم. طبق یک نظرسنجی صورت گرفته، از سه ساعت و بیست دقیقه اوقات فراغت مردم حدود دو و نیم ساعت آن در شبکه‌های اجتماعی صرف می‌شود که مطابق با نصاب جهانی بالا بوده و نگران‌کننده است. ضمن این که ضعف ما در تولید محتوا و تبیین در این شبکه‌ها نمایان است. طبیعی است که این مسئله فرصت مغتنم برای دشمن محسوب شده و با تمام توان به دنبال ذهنیت‌سازی منفی از شرایط و سیاست‌های دولت انقلابی در راستای ناکارآمد جلوه دادن آن و از آن طریق ناکارآمدنمایی و بن‌بست‌نمایی جمهوری اسلامی است.

سخن پایانی

سخن پایانی این است که تنها علاج کار ما به تعبیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی، ورود در فریضه فوری و قطعی جهاد تبیین برای روشنگری عرصه‌ای است که از سوی دشمنان انقلاب و نظام اسلامی سیاه جلوه داده می‌شود. در این راستا، اولاً، بایستی مردم و مسئولان را به صحنه بزرگ جنگی همه جانبه و ترکیبی که دشمنان انقلاب و نظام اسلامی برای شکست آن به مردم ایران عزیز تحمیل کرده‌اند توجه داد. ثانیاً، آنها را به ضرورت تغییر آرایش در این جنگ ارزی، اقتصادی و رسانه‌ای دشمنان ترغیب نمود. ثالثاً، افشاسازی دروغ‌های بزرگ و کوچک دشمن و تبیین دستاوردهای انقلاب و تبیین اقدامات در دست اجرای دولت و سایر نهادهای انقلابی می‌تواند هم برای مردم امیدآفرین باشد و هم القائات برساخته دشمنان را خستی و روحیه کار و تلاش برای ساختن ایران عزیز را بیش از پیش بالا ببرد.